



مرجعیت علمی قرآن نسبت به علوم مختلف است

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه مرجعیت علمی قرآن در علوم مختلف دارای سلسله مراتب است، گفت:

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه مرجعیت علمی قرآن در علوم مختلف دارای سلسله مراتب است، گفت: در علوم طبیعی تجربی به لحاظ محتوا، حداقلی و به لحاظ پارادایمی حداکثری است. در علوم انسانی قرآن عمیق تر و با مرتبه مرجعیت بیشتری می تواند وارد شود.

سیدمصطفی احمدزاده به گزارش ایگنا، سیدمصطفی احمدزاده؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۹ آبان ماه در پیش همایش مرجعیت علمی قرآن با موضوع «مراتب مرجعیت علمی قرآن در رابطه با علوم گوناگون» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد با اشاره به تعریف مرجعیت علمی قرآن گفت: بر اساس منشوری که متولیان بحث مرجعیت علمی قرآن مطرح کرده اند مرجعیت به معنای اثرگذاری معنادار قرآن کریم بر دانش های ساخت یافته تعریف شده است همچنین گفته شده که مرجعیت گونه های مختلفی دارد و اثر خود را بر دانش های مختلف می گذارد. به نظر می رسد مرجعیت علمی قرآن نسبت به علوم مختلف دارای مراتب است.

وی با بیان اینکه ما وقتی از مرجعیت علمی قرآن سخن می گوئیم یعنی بین قرآن و یک علم رابطه برقرار است و ما رابطه ای دو سویه داریم ولی وقتی سخن از مرجعیت است ما فقط از رابطه یکسویه حرف می زنیم، افزود: در رابطه دوسویه هم عمل مورد نظر بارور و تعمیق می شود و هم قرآن، ولی وقتی سخن از مرجعیت باشد یعنی قرآن نسبت به علوم دیگر سیطره و سلطه دارد لذا در این بحث هم چون واژه مرجعیت علمی در کار است یعنی قرآن باعث تعمیق و توسعه و یا رد یک علم می شود.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه علم گزاره هایی درباره یکسری مسائل با هدف خاص است، تصریح کرد: در کنار مباحث علمی، مطالب ضد علم و شبه علم هم داریم؛ یعنی وقتی وارد این مباحث شویم می بینیم مطالبی هستند که با روش های علمی ناسازگارند ولی نمی توانیم آن را ابطال کنیم؛ مانند طالع بینی و فال بینی و قانون جذب، تعبیر خواب و یوگا و ... بعضا برخی مقالاتی در مورد قانون جذب از دیدگاه قرآن کریم نوشته اند ولی چون این مسائل به لحاظ علمی تایید نشده است لذا اثبات مرجعیت قرآن بر این مطالب هم قابل بحث نیست.

احمدزاده با اشاره به موضوع علوم طبیعی و انسانی، اضافه کرد: موضوع علوم انسانی، انسان و موضوعات مرتبط با انسان و در علوم طبیعی هم موضوع طبیعت است؛ تفاوت دیگر علوم طبیعی و انسانی در این است که پژوهشگر علوم طبیعی دخالت چندانی در فرایند آن ندارد ولی در علوم انسانی، خود انسان کاملاً پویا و فعال در فهم یک واقعیت است و این فهم براساس پیش فرض ها است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی اظهار کرد: دسته بندی دیگر اینکه علوم داریم که از روش تجربی و طبیعی استفاده می کنند و علوم که از روش غیرتجربی مانند روش فلسفی و تاریخی و ... بهره می برند؛ ما وقتی می گوئیم علوم انسانی یا تجربی، این ها در برابر هم نیستند ولی اگر بخواهیم در علوم تجربی، موضوع انسانی در نظر بگیریم در این صورت مانند روان شناسی و جامعه شناسی علوم انسانی به روش تجربی خواهیم داشت زیرا در این ها از تجربه استفاده می کنیم. نزدیکی بیشتر علوم انسانی با قرآن

این پژوهشگر با بیان اینکه نزدیکی قرآن کریم با مباحث انسانی بیشتر از علوم تجربی و طبیعی است، گفت: در بین علوم انسانی هم علوم بیشتر به قرآن نزدیک هستند که از روش های تجربی و ... بهره نبرند. در سطح بعد علوم تجربی طبیعی مانند شیمی و زیست و ... وجود دارند که ارتباط اندکی با قرآن دارند لذا مرجعیت علمی قرآن بر روی این علوم خیلی اندک است. وقتی سخن از مرجعیت علمی داریم مراتبی وجود دارد و قرآن بر همه علوم یک میزان مرجعیت ندارد که بیان شد.

احمدزاده با اشاره به تعریف اثرگذاری قرآن بر علوم در مرجعیت، افزود: این مرجعیت گاهی به لحاظ محتوایی و گاهی روش شناسی است؛ در محتوا، قرآن کریم می تواند برای علوم مانند تاریخ و فلسفه و ... نظریه ارائه دهد یا قرآن ممکن است نظریه در مورد انگیزه و افسردگی و ... داشته باشد و طبیعتاً نظریات قرآن در مورد علوم انسانی چون تاریخ و فلسفه و اخلاق و تربیت و ... یقیناً همراه با جزئیات بیشتر و دقیق تر است و در علوم چون جامعه شناسی و روان شناسی و ... تاثیرگذاری کمتری دارد.

وی با بیان اینکه آیت الله جوادی آملی معتقد است که ما نباید از لفظ علوم طبیعی استفاده کنیم و باید بگوییم علوم خلقت، اضافه کرد: در این صورت علوم یک مبدا و غایت دارند و با مبدا و غایت خود مرتبط خواهند شد و وقتی مرجعیت علمی قرآن را برای این علوم مطرح کنیم یعنی برای هر علمی مبدا و غایتی تعریف کنیم تا علوم جهت دهی شوند و تأثیر قرآن بر چنین دانش‌هایی چون ریاضی و فیزیک و ... بیشتر خواهد شد.

احمدزاده با بیان اینکه قرآن کریم می‌تواند پارادایم‌سازی کند، تصریح کرد: در پارادایم‌سازی مباحثی چون انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ... وجود دارد؛ در حوزه روش به نظر می‌رسد قرآن مرجعیتی برای علوم دیگر ندارد زیرا قرآن اساساً دنبال بیان روش در این علوم نیست. در جمع‌بندی بحث باید تأکید کنیم مرجعیت علمی قرآن در مورد علوم دارای سلسله مراتب است؛ در علوم طبیعی تجربی به لحاظ محتوا، حداقلی و به لحاظ پارادایمی حداکثری است.